۴

در شهر

- سال نهم
- شماره ۹۸۲
- دو شنبه
- ۲۳ فروردین ۱۳۸۹
- ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۳۱
- ۱۲ آوریل ۲۰۱۰
- دبیر صفحه : زهرا بیگلری

مکث

مردم کدام را باور کنند

قیمت های نجومی قبل از عید یا.....

اسفند ماه با جنب و جوش خرید، ترافیک روزها و شبهای و گرانی سرسام آور پوشاک ومایحتاج اولیه مردم به پایان رسید. آنچه ما را به فلش بک گذشته کشاند، موضوع تکراری قیمت ها ست . موضوعی که بارها نوشته شده و چون ریشه در کل اقتصاد وبحران اقتصاد جهانی دارد می شود گفت که درمانی ندارد امابه نظر بسیاری از اقتصادانان بحران اقتصادی هیچ تاثیری بر اقتصاد ایران نداشته است .باز می گردیم به بازار شب عید وارد یک مغازه ی کیف وکفش می شویم. قیمت ها ،بالای ۲۰هزار تومان ! آقا قیمت کفش چند ؟ ۲۸ هزار تومان ، با چانه زدن و گرفتن تخفیف آن را به ۲۵ هزار تومان رساندیم ، به گفته کاسب جماعت،" برای ما سودی ندارد سود ما همان ۲۰۰۰ تومان است "بعد سراغ کیف و مانتو می رویم قیمت ها و حرف های فروشندگان یکی است و اجناس با کیفیت پایین عرضه شده را فقط می توان در دو یا سه بوتیک اجناس جدید دید .حال وارد فروردین ماه می شویم خدای من جنسی که فقط ۲۰۰۰تومان سود داشت تغییر قیمت داده شده و به ۲۰ هزار تومان رسیده ! حال فکر کنید با این قیمت بازهم فروشنده به سود قابل قبولی خواهد رسید. یه ضرب المثل هست که میگه: "دم خروس رو قبول کنم یا قسم ابوالفضل" این ماجرای بازار ماست. معصومه می گوید: اجناس در ۱۳ روز عید تنوع بیشتری پیدا کرده و حتی بعضی از مغازه داران حراجی به راه انداختن ، در صورتی که قبل از عید حتی حاضر به تخفیف نبودند آیا همه سودآن باید از جیب ما برود؟ آیا همانطور که مسئولین می گویند در بازار نظارت وجود دارد ؟ اگر این نظارت هست پس چرا ما شاهد قیمت های متفاوت در قبل از عید وبعد از عید هستیم. یا چون کاسب می داند مردم خرید شب عید خود را باهر قیمتی انجام می دهند ، مجاز است قیمتهای دروغین بر روی اجناس بگذارد. و بعد هم بعد از کلی سود از جیب مردم قیمت را زمانی پایین بیاورد که مردم دیگر نیاز به خرید ندارند. جالب است بدانید مردم بندرعباس خود کالاها را بنجل وگران می خرند ولی می بینیم که در عید برای مسافران شهرمان به خصلت مهمان نوازی اجناس جدید و با قیمت کمتر در مغازه هایشان می گذارند، علت چیست ؟ مگر بندریها پول کمتری می دهند؟! این موضوع نیاز به نگاهی کارشناسی شده دارد تا این معضل در سالهای بعد تکرار نشود.

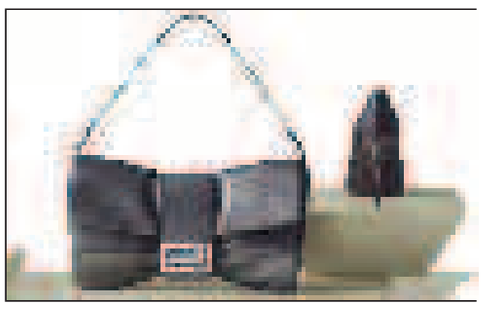

دوربین در شهر

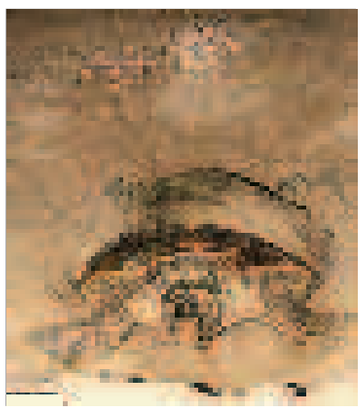

کلیه هم استانی های عزیز از این پس می توانند عکس های مربوط به حوزه شهری شامل رخ دادها ، انتقادی ، حوادثی را به روزنامه دریا ارسال نمایند تا در ستون "دوربین در شهر"در روزهای یکشنبه به چاپ برسد . عکس ها با ذکر نام عکاس و مکان و تاریخ قابل چاپ می باشد .

عکس:بشارتی-قشم

در کوچه پس کوچه های شهر

تلنگر

امنیت آری یا نه ؟!

■ چیزی به ساعت ۹ شب نمانده بود به همین خاطر برخی از تاکسی ها هم با بی تفاوتی و با این که خالی از مسافر بودند، از کنارش عبور می کردند . تصمیم گرفت که کمی بالا تر برود و سر میدان ... که چند نفری هم ایستاده بودند ، ماشین بگیرید

منتظر تاکسی بود ، انگار از انتظار زیاد و بوق ماشین های مزاحم کلافه شده باشد اما به روی خودش نمی آورد . دستانش را سفت بغل کرده بود و گهگاهی هم عینک اش را جابجا می کرد.

– خانم ؟ ! بفرما بالا می رسونیمت ، سوار شو ! مسیرت کجاست ؟

از استرس زیاد انگار دست و پایش را گم کرده باشد ، چند قدمی را بالا و پایین می رفت و نگاهش را بر می گرداند تا شاید ماشین های مزاحم بی خیال شوند .

– سلام خانم خوش تیپه ، کجا تشریف می برید ؟ برسونیمت !

مدام خدا خدا می کرد یک تاکسی جلوی پایش ترمز کند و از این مهلکه نجاتش دهد . چیزی به ساعت ۹ شب نمانده بود به همین خاطر برخی از تاکسی ها هم با بی تفاوتی و با این که خالی از مسافر بودند ،از کنارش عبور می کردند. تصمیم گرفت که کمی بالا تر برود و سر میدان ... که چند نفری هم ایستاده بودند ، ماشین بگیرید از چرت و پرت گویی های ماشین های مزاحم حسابی کلافه و عصبی شده بود. در میان صدای بوق های ممتد و آزار دهنده ی ماشین های مزاحم ، بالاخره یک ماشین که چند مسافر آقا و خانم داشت ، انصاف به خرج داد و جلویش ترمز کرد ، بی درنگ سوار شد در حالی با دستش پیشانی خیس عرقش را پاک می کرد ...

ماجرای بالا ، مطلب جدیدی نیست . یک معضل مزمن اجتماع ماست . خودم چندین و چند بار شاهد چنین ماجرایی بودم البته به شیوه های مختلف، شب ، حوالی ظهر یا ... ، یک سری افراد مزاحم و علاف برای تفریح و خوش گذرانی مزاحم زن و دختر مردم می شوند و برایشان مهم نیست چه ترس و استرسی به آنان وارد می شود . دیدن چنین صحنه هایی واقعاً متاثر کننده است و این تردید را در تو بوجود می آورد که تا چه حد می توان از امنیت حاکم بر جامعه مطمئن بود و و همیشه نگران هستی که ممکن است در شرایطی قرار گیری که نتوانی از حقوق خود به عنوان یک شهروندی که سهمی از امنیت جامعه دارد ، دفاع کنی و کسی هم نباشد که از تو حمایت کند . آن وقت چی ؟

وقتی یکی از دوستانم این ماجرا را تعریف می کرد به او گفتم شاید خود ما با نحوه رفتار و پوششمان محرکی برای این نوع مزاحمت ها باشیم و شاید هم ... اما نه ! همیشه اینطور نیست برخی از مزاحمین اهمیتی به پوشش مناسب و نامناسب طرف هم نمی دهند چون صرفاً قصد مزاحمت دارند ! ... به فکر فرورفتم ، راستی چرا آن موقع شب یک پلیس آنجا نبوده تا به آن خانم کمک کند ؟ ...با خودم گفتم مگر چند تا پلیس باید در سطح شهر باشند تا بتوانند جلوی این معضل را بگیرند ؟ برای هر رهگذر خانم که نمی توان یک پلیس گذاشت ؟ پس راه حل چیست ؟

واقعیت اینکه جامعه مثل یک باغ است که در صورت بی توجهی و مراقبت نکردن، علف های هرز در آن می رویند و این آفت می تواند برای هر باغی مخرب و نگران کننده باشد.به عبارت دیگر هر جامعه ای به مراقبت ، بازرس و نظارت نیازمند است و کوتاهی در انجام چنین عملی می تواند ظهور ناهنجاریهایی نظیر «مزاحمت هایی خیابانی» را به دنبال داشته باشد، پدیده ای که اینک آسایش و امنیت شهروندان و بخصوص زنان را به مخاطره انداخته است و همه شهروندان به طور علنی شاهد این پدیده زشت و مذموم هستند، کم و بیش اکثر خانواده ها را تهدید می کند. امروزه پدران ومادران نگران و دلواپس دخترانشان هستند. با توجه به ماجراهایی از این قبیل می توانیم ضرورت آسیب شناسی چنین پدیده ناهنجاری را دریابیم. افکارم را جمع و جور می کنم ، باید راه حل را درون خودمان جستجو کنیم این عمل را باید در درونمان تقبیح کنیم. کاش افرادی که این کار ناپسند جزو تفریحات خود و دوستانشان است ، میزان قبح این عملشان را درک کنند و این سطرها را بخوانند تا شاید وجدان درد بگیرند، البته امیدوارم. امیدوارم که از این به بعد این عملشان را کنار بگذارند ... نمی دانم شاید هم با خواندن این سطرها ریشخند بزنند ! اما اگر می شد که آنها نیزاین نوع مزاحمت های خیابانی را تجربه می کردند ، مطمئناً متوجه می شدند که این گستاخی ها چقدر متأثر کننده است و متاسفانه گاهی این ماجراها تنها به بوق زدن و متلک انداختن ختم نمی شود و اتفاقات قبیح تر از این سبب می شود تا تردید عدم امنیت در جامعه در زنان و دختران ما همچنان لانه کند ... ! حالا شما بگویید راهکار رفع این معضل اجتماعی چیست ؟ آیا باید تمام مسئولیت را بر عهده نیروی انتظامی بیندازیم یا اینکه خودمان هم فرهنگ سازی را آغاز کنیم ؟ با کدامیک موافق ترید؟ در هر حال نیاز به فرهنگ سازی و حضور و همکاری موثر نیروی انتظامی واقعیتی انکار ناپذیر است ، موافقید؟

حرفی دیگر

نسیم وفا

اول سلام و بعد خداحافظ ، چه سریع و چه صریح ، بدون هیچ توقفگاه ، وزش نسیم محبت که وفا همره اوست و ثانیه ای هم به طول نیانجامیده است ولی کاش بجای دل بر گونه می نشست ، که می توانستم با آب سردی گرمایش را متعادل سازم .

ولی اینک که آن نسیم در قلبم رخنه کرده به هیچ آبی خنک نخواهد شد جز خون دل خوردن و آن نیز در ظرف صداقت ریخته و تقدیم مهمان سرزده ام میکنم چون عادت به مدد دارد و بس .مهمان قصد رفتن دارد ، چاره ای نیست جز رنج دوری و بیش از این نیز انتظاری نیست چون او شایسته تری دارد که انگار خدای اوست .و من بعد از او ...

و جمله آخر که نمی خواهم پایانی داشته باشد ؛

آن سفر کرد و که صد قافله دل همراه اوست
هر کجا هست خدایا سلامت دارش

□ □ □

زبانه های آتش شوقم فروکش می کنند امید به ناامیدی مبدل شده و پرده ای دیگر از ترانه انتظار رقم می خورد . صدای ناله خورشید از دور به گوش می رسد و تپش قلبم نیز هم نوابه آن آهنگ رفتن سر می دهد .

لشکر شب که مهتاب سردار آن است به همراه سپاه ستاره ها در راه است و آواز کل زنان ستاره ها گوش آسمان را کر می کند ، خورشید تسلیم و در بند آن لشکر سپید و سیاه در می آید البته اندوه فراوان نیست چون که نسیم سپید نشان از شروع پرده ای دیگر از آن ترانه را نوید می دهد.

شمس و قمر به نبردی بی سرو صدا می پردازند و سرانجام نیز سازشی کوتاه و باز تلاش خورشیدپرستان مه صورت در پی گمشده پیدایشان ،

آری مولایم؛ ای گمشده پیدایم ،غروب جمعه دیگر به سر آمد و رخ مه لقایت در پرده سرا پرده معبود نهان و من همچنان در انتظار دیدارت !

من بخال لبت ای دوست گرفتار شدم
رخ بیمار تو را دیدم و بیمار شدم

اصغر دادی زاده تیابی

زباله بریزیم ، نریزیم ؟!

عبدالحسین اسدپور

در جهان امروز، مسئله جمع آوری و دفع زباله به عنوان یک علم و دانش در آمده است و پیوند ناگسستنی بهداشت محیط و محیط زیست با حیات و مرگ نه تنها انسان بلکه مجموعه همه موجودات زنده اهمیت و تامل بیشتر در این باب را صد چندان کرده است .

لذا در شرایطی که بسیاری از کشورها و ملتها فرهنگی گویا و روشهایی نوین جهت جمع آوری ، دفع و بازیافت زباله به کار می بندند ، برای ما به عنوان فاقله سالار تمدن بشریت که دارای کهن ترین و غنی ترین ریشه و پیشینه فرهنگی پویا هستیم ، زیبنده نیست عقب تر از آنها حرکت کنیم چه رسد به اینکه ابتدایی ترین شیوه های ممکن را اعمال کنیم . اما متاسفانه در این رابطه همچنان در عملکرد برخی از مسئولان و مردم شهر ما (بندرلنگه) جای تامل و تدبیر بسیاری است .

در ارتباط با چگونگی جمع آوری زباله های شهری ؛ این عامل اصلی محیط زیست انسان نکاتی ضروری است . شاید بر کسی پوشیده نباشد که رها کردن زباله در کوچه ها ، معابر ، جوی ها ، خورها و... عامل آلودگی محیط و و پدیدآورنده مشکلات بهداشتی است و عدم رعایت بهداشت می تواند تهدیدی جدی برای سلامت جسم و روان انسان محسوب می شود .

علاوه بر اینها هنگام جمع آوری و حمل و نقل زباله ها بعلت حمل غیراستاندارد و ریخته شدن آن در سطح معابر عمومی ، سلامت همگان معرض خطر بالفعل قرار می گیرد. متاسفانه در ایام نوروز این مسئله که امسال اغلب مهمانان نوروزی بجای اینکه زباله های خود در کیسه زباله جا دهند، در وسط کوچه و خیابان و قسمت های ساحلی رها می کردند کاملا ملموس بود در حالیکه از سوی شهرداری بندرلنگه و کنگ سطل های زباله کافی در معابر عمومی تعبیه شده بود تا زباله ها درون آنها ریخته شود که مسافران عزیز در این رابطه کوتاهی نمودند ! و جای این سوال باقی می ماند که آیا این عزیزان در شهر خود نیز همین گونه زباله ها را در وسط خیابان یا معابر عمومی رها می کنند ؟ !

و از شما می پرسم آیا تنها باید شهرداری را در پاکیزه نگاه داشتن شهر مسئول بدانیم و مردم در جایگاه شهروندان نقشی در این مهم ندارند ؟ ! و چه ایرادی دارد اگر در طول هر ماه مردم شهرمان با شهرداری در خصوص پاکسازی شهر از وجود زباله ها تعامل و همکاری داشته باشند طوریکه چهره شهر دگرگون شود و شهری زیبا و عاری از کثیفی و آلودگی داشته باشیم .

البته همه آنچه گفته شد نیازمنداتخاذ برنامه ای عملی و اقدامی جدی و قاطع هستیم . لذا ارزانترین و آسانترین شیوه عملی و اصولی این است که شهرداری بندرلنگه و سایر نقاط استان همت کنند در کنار این راهکار که آموزش فرهنگ شهرنشینی را باید در اولویت قرار داد ، نسبت به تهیه کیسه های مخصوص زباله و تحویل آنها به منازل و مکان های دیگر اقدام کنند حتی مثل بسیاری از شهرهای دیگر برای زباله های مختلف کیسه های مخصوصی با رنگ های مختلف مهیا نمایند و پس از حمل زباله ها بخشهایی ازآنها را که مصارف صنعتی دارند و قابل فروش هستند تفکیک شوند و هم اینکه شهرداری می تواند با تهیه کیسه های پلاستیکی باقیمتی مناسب که در منطقه نیز تولید می شود و عرضه آن به مردم گام موثر می برداردوممردر آمدی هم ایجاد کنند به شرط آنکه شهرداری ها همت کنند و با مردم همکاری و همچنان مردم با شهرداری با هم همکاری نمایند و برای کم کردن میزان زباله‌ی منازل و کوچه ها معابر تلاش کنند .

امید است مردم بندرلنگه و سایر شهرهای استان در طول ماه یا دو هفته یکبار آستین همت بالا بزنند و جهت پاکسازی شهر از وجود زباله با شهرداری تعامل نمایند .و به امید آنروز که مسئولین شهر همت کنند و این فرهنگ را نهادینه سازند .

ارزان اما بی کیفیت!

کفش چینی ، پوشاک چینی ، ظروف چینی ... خلاصه کنم براتون ، جنس چینی که طی چند سال اخیر تمام بازار ایران (بویژه شهرمان) را در قبضه خود در آورده است ، کم کم تبدیل به یک تراژدی شده ، تراژدی بازار ایران در تسخیر اجناس چینی !

در تحلیل این تراژدی باید گفت این ما هستیم که سلطه اجناس چینی را بر بازار خود پذیرفته ایم و آنچه ستودنی است ؛ قدرت تحمیل اقتصادی کشوری با جمعیت ۲ میلیاردی است که با رشد و توسعه ای شتاب پذیر اینگونه بر اریکه اقتصادی کشوری با ادعای توسعه اقتصادی تکیه زده و روز به روز بر شکوفایی و رونق قدرت اقتصادی اش می افزاید .

بغرنج تر اینکه ؛ در حالیکه اجناس درجه یک و دو چین در اروپا شدیداً مورد استقبال واقع می شود ، اجناس درجه سه و چهار آن بازارهای ما را به قبضه ی خود در آورده بطوریکه این مسئله در استان ما به دلیل واقع شدن در دروازه ورودی تجارت این اجناس کاملاً ملموس و محسوس است ! که تجارتی پر سود را برای چینی ها به ارمغان آورده است .

حال زاویه ی نگاهمان را تغییر دهیم . بگذارید از پنجره ای دیگر به این موضوع بنگریم ، اینکه دهک بیشتری از جامعه ما در سطح اقتصادی پایینی قرار دارند و نتیجه اینکه مردم ما از قدرت خرید ضعیفی بر خوردارند و بازار تجاری چینی نیز به خوبی می تواند پاسخگوی نیازهای آنان باشد . اجناسی ارزان با کیفیتی پایین که سبد خرید ما را به ظاهر از هر کیفیتی برتر بی نیاز ساخته است !

و اما مسئله کاهش قدرت خرید مردم ! بی شک رابطه ای مستقیم میان وضعیت اقتصادی جامعه و قدرت خرید مردم وجود دارد بطوریکه علناً شاهد تاثیر پیامدهای ناشی از تورم بر زندگی ها و آسیب پذیری هر چه بیشتر قشر ضعیف جامعه هستیم !

...و در حالی که ظاهراً در بحبوبه اجرای طرح خوشه بندی می باشیم ، به گفته معاون پارلمانی رییس جمهور در صورت تصویب بودجه ۲۰ میلیاردی برای این طرح با افزایش تورم ۱۵ درصدی نیز مواجه خواهیم بود . با این وجود همچنان هم در هاله ای از ابهام است اینکه ؛ براستی طرح هدفمندی یارانه ها اجرا می شود یا نمی شود ؟ !

و آیا می توان روزی به افزایش قدرت خرید مردم مان امید وار شد یا ... ؟

در هر صورت نمی توان نفوذ تاثیر گذار بازار چین را با وجود کیفیت نازل آن بر بازار خود ، چندان بی ربط با ضعف راهکار های اقتصادی کشورمان دانست و تنها بر مردم به خاطر گرایش آنها به سمت بازار بیگانه خرده گرفت و شاید بتوان گفت که انتظار ساماندهی جدی تر بازار حاکم و رهایی از تسخیر اجناس چینی توسط مسئولان جامعه چندان غیر منطقی هم نباشد !

... و دهها شاید دیگر...

موسسه حسابداری و حسابرسی امید گامبرون جنوب ثبت (۴۷۶)

*حسابداری حسابرسی * تهیه اظهار نامه مالیاتی و بیمه ای * تهیه صورتهای مالی فارسی و انگلیسی
* طراحی سیستم کنترل داخلی * تنظیم گزارشهای مالی جهت بانکها و سایر موسسات مالی و اعتباری –
*تامین و آموزش کادر موسسات و شرکتها * تهیه صورتهای مالی از مدارک ناقص اصلاح حسابها و...

E-mail:
omid gamberoon jonoob@ gmail.com

تلفن تماس :
۰۹۱۷۳۶۸۶۶۲۶ خاکسارنژاد ۰۹۱۷۱۶۳۵۲۵۱

شرکت خدمات مالی و حسابرسی عصر دانش بندر (سهامی خاص) ثبت ۶۲۵۲تاسیس ۱۳۸۲

عصر دانش بندر

- حسابداری
- تامین کادر مالی
- حسابرسی
- تهیه صورتهای مالی
- تهیه اظهار نامه مالیاتی
- اعتبارات و خزانه داری
- مشاوره مالیاتی و بیمه ای
- اصلاح حسابها و رسیدگی اسناد

تلفن تماس :
۰۹۱۷۳۶۸۴۴۱۶محمد حسینی

E-mail:
Asrdanesh۸۲@ yahoo.com